

پژوهش‌های علمی و مطالعات فرهنگی  
تفکر و پیروسی کتاب

- پژوهشی تازه درباره زبان مردم آذربایجان /  
دکتر محمدامین ریاحی
- نقدی بر چند کتاب / دکتر انور خامه‌ای
- دایرةالمعارف صلح / دکتر نورالله مرادی
- دی که خون ناحق پروانه... / سیمین بهبهانی

## درباره زبان مردم آذربایجان

اخیراً کتاب «جستارهایی درباره زبان مردم آذربایجان» تألیف یحیی ذکاء با مقدمه دکتر ریاحی توسط بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار در ۲۲۹ صفحه منتشر شده است. نظر به اهمیت مقدمه دکتر محمد امین ریاحی بر این کتاب آنرا عیناً در اینجا نقل می‌کنیم.

از روزی که رساله «آذری یا زبان باستان آذربایجان» به قلم کسروی در ۱۳۰۴ خورشیدی انتشار یافت مسئله زبان دیرین مردم آذربایجان مطرح گردید و مورد توجه و تحقیقات دامنه‌دار دانشمندان ایرانی و خارجی قرار گرفت.

در آن سالها تازه متعصبان عثمانی و به دنبال آنها دولت جدید ترکیه برنامه پان تورکیستی خود را آغاز کرده بودند. ماجرا از این قرار بود که بعد از فروپاشی امپراطوری عثمانی و از دست رفتن متصرفات اروپایی در شمال و مناطق عرب‌نشین در جنوب ترکیه و تشکیل دولتهای مستقل زمامداران ترک با این استدلال مردم خود را تسلی می‌دادند که اصولاً چه معنی دارد که ما سرزمین‌های غیر ترک اروپایی و عربی را حفظ کنیم. نفع ما در این است که این بار را از دوش خود بیندازیم و با تصرف سرزمین‌های ترک زبان امپراطوری جدید یکدستی پدید آوریم.

# جستارهایی در باره زبان مردم آذربایجان

از

سید محی‌الدین

باشدر

دکتر همایون ریاضی



تهران - ۱۳۷۱

۲۴۸

در گرماگرم این خواب و خیال، نظریه پردازان متعصب زبان ترکی معمول در آذربایجان را زبان آذری نام نهادند و به سردمداران دولت مسلمانان قفقاز هم که بعد از فروپاشی روسیه تزاری در ۱۹۱۷ به مرکزیت باکو تشکیل شده بود تلقین کردند که نام کشور خود را که نام تاریخی آن اران و شروان بود آذربایجان بنامند و با این امید که با استفاده از ضعف دولت ایران آذربایجان را هم بدان ملحق کنند. اندکی بعد هم که در ۱۹۲۰ رژیم شوروی باکو را تصرف کرد با همان تیت عثمانیها، دولت باکو را جمهوری آذربایجان نامید.

دولت آن روزی ایران با چنان ضعف و زبونی دست بگیریان بود که در برابر آن شعبده بازیهای بیگانگان حتی زحمت اعتراض هم به خود نداد. اما محقق تیزبین هوشمند تحقیق معتبر خود را به عنوان یک جواب مستدل عملی منتشر کرد.

کسروی به استناد متون معتبر کهن ثابت کرد که تعبیر آذری مختص زبان کهن آذربایجان است که از زبانهای ایرانی و شاخه‌ای از زبان پهلوی بوده است و اطلاق آن به ترکی موجود فعلی به قول علامه قزوینی سفسطه و تدلیسی بیش نیست.

کسروی در رساله خود آثار بازمانده از آذری کهن از جمله دوبیتی‌های منسوب به شیخ صبی‌الدین اردبیلی را از لابلای نسخ خطی بیرون کشیده و نیز نمونه‌هایی از زبان کهن موجود در گوشه و کنار آذربایجان در خلخال و هرزند و گلین قیه را جمع کرده و مورد بحث قرار داده است.

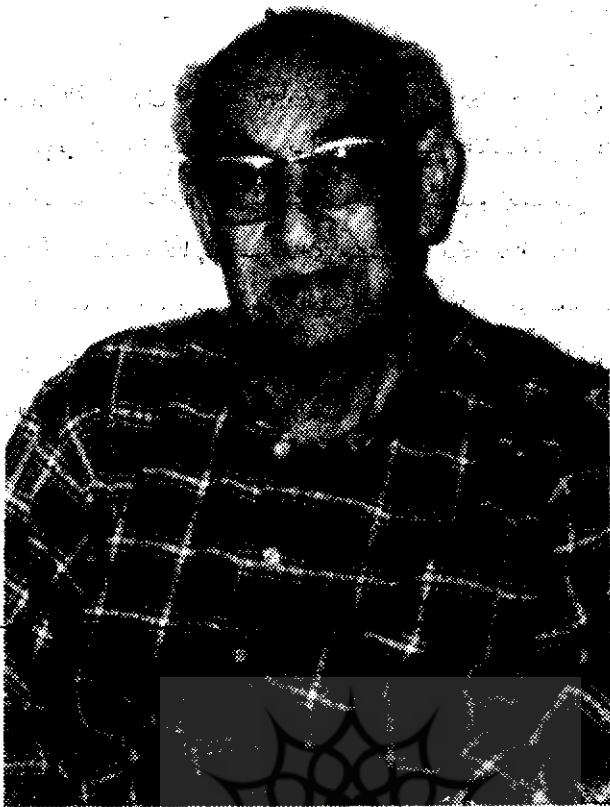
بعد از انتشار رساله کسروی که بارها تجدید چاپ شده، در این هفتاد و پنج سال بسیاری از پژوهندگان دنبال تحقیق او را گرفتند و مخصوصاً بعد از تأسیس دانشگاه تبریز، دانشکده ادبیات آن دانشگاه رونق تازه‌ای به این رشته از زبان‌شناسی ایرانی بخشید و چند تن از استادان و دانش‌آموختگان آن دانشگاه مقاله‌ها و کتابهای سودمندی منتشر کردند که علاقه‌مندان برای آگاهی از آنها می‌توانند به مجلدات فهرست مقالات فارسی تألیف استاد ایرج افشار مراجعه نمایند.

در آن میان پژوهشهای آقای یحیی ذکاء که از نخستین نوشته‌ها در این زمینه بوده ارزش و اعتبار خاص دارد. ایشان در بازنگری نمونه‌هایی که در میان بوده در رفع ابهامات آنها کوشیده و معنی دقیق الفاظ را با تطبیق با کاربرد آنها در لهجه‌های دیگر روشن کردند و نیز نمونه‌های تازه ناشناخته‌ای را مورد بررسی قرار داده‌اند و مجموعاً به نتایج تازه‌ای رسیده‌اند که همواره مورد توجه و بهره‌گیری محققان بوده و خواهد بود.

دوست دقیق و دانشمند ما در بهار جوانی در ۱۳۲۸ که چند ماهی به عنوان افسر وظیفه در کناره‌های ارس در آذربایجان گذرانیده یادداشت‌هایی درباره زبان مردم کرینگان یکی از روستاهای ارسباران فراهم آورده و مورد تحقیق قرار داده و حاصل کار خود را در ۱۳۳۲ به صورت رساله‌ای به چاپ رسانیده است. از آن به بعد هم دنباله تحقیق را گرفته و آنچه از زبان کهن را که در روستاها و کوهپایه‌ها در گوشه و کنار مناطق شمال غربی ایران بر جای بوده و در شرف از بین رفتن است گرد آورده و نمونه‌هایی را که در لای متون فارسی آمده مورد تحقیق و بازنگری قرار داده و یافته‌های خود را به صورت مقالات متعددی در مجلات علمی منتشر کرده است. و اینک از بنیاد موقوفات افشار متشکر باید بود که نه گفتار از آن جمله را که این کتاب به دست علاقه‌مندان می‌سپارد و باید امیدوار بود که سایر مقالات استاد ذکاء در زمینه زبان‌شناسی ایرانی و تاریخ هنر و فرهنگ مردم ایران که در پنجاه سال اخیر در نشریات علمی به چاپ رسیده جمع‌آوری و منتشر گردد.

همان‌طور که در مقالات این کتاب آمده، زبان مردم آذربایجان ریشه در زبان مادها دارد که گروهی از زبان‌شناسان زبان گائها (بخشهای کهن اوستا) را خویشاوند نزدیک آن می‌دانند. بعدها با تحولاتی به صورت پهلوی شمالی (= پهلوی اشکانی) زبان پارتها در آمده و تأثیرات آن در زبانهای شمالی حتی در شاهنامه فردوسی پدیدار است. بقایای زبان مادها از دریند قفقاز و دامنه‌های کوههای قفقاز به پایین تا غرب ایران گسترده بوده البته در هر ناحیه‌ای تحت تأثیر زبانهای بومی قبلی و زبانهای همسایه تغییراتی پذیرفته است.

پیش از این در مقاله «زبان کهن آذربایجان» که در جلد چهارم نامواره دکتر محمود افشار چاپ شده و در «زبان فارسی در آذربایجان» گردآوری ایرج افشار (صفحات ۴۸۶ - ۵۱۱) نقل گردیده دلایل و قرائن یگانگی لهجه‌های مردم شمال غرب ایران (قلمرو ماد قدیم) را گفته‌ام. از آن جمله



● زندیاد پیمپی دکاه (عکس از طوبی ساطعی)

اینکه دو بیتی نجم رازی که در سال ۶۲۰ در تحریر دوم مرصادالعباد او آمده در منابعی به مهان کشفی از مردم نمین اردبیل شاعر سیصد سال بعد نسبت داده شده و پنج قرن بعد نیز در جنگی به نام او ثبت شده است و عبیدزاکانی قزوینی دو غزل ملمع همام تبریزی را در مثنوی عشاقنامه خود آورده است و از اینهمه بر می آید که زبان مردم ری و قزوین و آذربایجان یکی بوده است. در اینجا بیش از این نیازی به بحث نیست.

نویسندگان متعصب ترکیه بدون هیچ دلیل ادعا می کنند که زبان مردم آذربایجان و سرزمین های مجاور از روز ازل ترکی بوده است. اما چه جوابی دارند به اینکه در هیچ مثنی قبل از صفویه بیتی یا عبارتی ترکی از مردم آن مناطق دیده نشده بلکه برعکس قرائن و اشارات موجود خلاف آن را ثابت می کند. مثلاً برای قطران تبریزی (در گذشته ۴۶۵) وجود یک معشوق ترک در گنجه معمایی بوده که آن غریبه از کجا به آن شهر افتاده است و می گوید:

ای ترک به گنجه از کجا افتادی؟      کاندل دل و جان من فکندی شادی

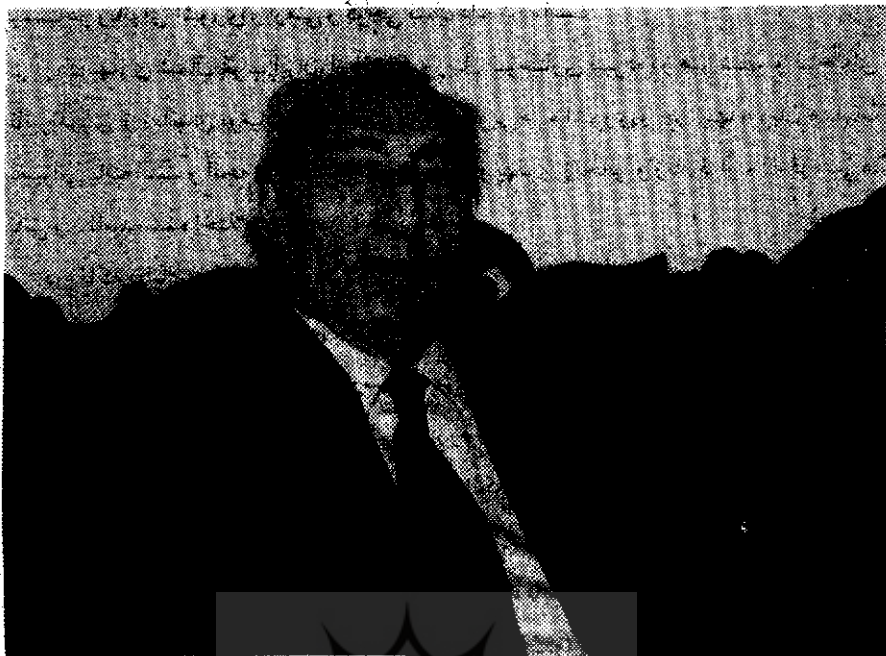
یک بوسه مرا به مستی اندر، دادی      ای ترک همیشه مست و خرم بادی

خاقانی شروانی هم از ترکان به صورت عنصر بیگانه ای یاد می کند:

رسم ترکان است خون خوردن ز روی دوستی      خون من خورد و ندید از دوستی در روی من

از این شواهد در متون نظم و نثر فراوان است. اما متعصبان ترکیه ادعاهای خود را به صورت





● دکتر محمد امین ریاحی

واضحاتی که نیاز به هیچ توضیح و استدلالی ندارد بیان می‌کنند حتی ایلامی‌ها و هیتی‌ها (Hittites) را هم ترک می‌پندارند.

یادم آمد که چهل سال پیش یک استاد باستان‌شناس ترک در آنکارا به من گفت که آتاترک هیتی‌ها را نخستین ساکنان ترک آسیای صغیر اعلام کرده بود. وقتی که هیئت باستان‌شناسی آلمان در کاوشهای خود در بغازکوی خرابه‌های پایتخت هیتی‌ها به قرآنی دست یافتند که زبان آن قوم جزو زبانهای هند و اروپایی بوده به ملاحظه پرهیز از برانگیختن خشم آتاترک جرأت نکردند که حاصل تحقیقات خود را منتشر کنند. بعد از مرگ او یافته‌های خود را چاپ کردند اما ترجمه و نشر آنها در ترکیه هنوز ممنوع است.

زبان کنونی آذربایجان که نام آذری بر آن نهاده‌اند، از لغات ترکی و واژه‌های جدید فارسی که بگذریم بسیاری کلمات پهلوی است که در سایر لهجه‌های ایرانی به کار می‌رود و اگر از زبان فارسی امروزی فوت شده اما شواهد آن را در متون کهن فارسی می‌یابیم. من سابقاً گمان می‌کردم که آنچه در آن زبان مسلماً ترکی است افعال است. امروز به این نتیجه رسیده‌ام که در افعال هم بن و ریشه پهلوی یا اوستایی است تنها علامت مصدر و صرف افعال در صیغه‌های مختلف ترکی است.

در لغت‌نامه بزرگ چهار جلدی حسین کاظم قدری (چاپ ۱۹۲۷ - ۱۹۴۶ استانبول) که فرهنگ تطبیقی بسیاری از لهجه‌های ترکی است، ریشه تعدادی از واژه‌های زبان کنونی آذربایجان که فارسی

نیست در زبانهای آشوری و ارمنی و گرجی نشان داده شده است.

زبان پهلوی شمال غرب ایران، از آنجا که زبان نوشتاری نبوده در هر شهر و ناحیه‌ای با تأثیرپذیری از زبانهای بومیان و اقوام کهن از اورارتویی و به آشوری و جز اینها و زبان همسایگان تغییراتی یافته است و آنچه در کتابهای پهلوی مراغه و پهلوی زنجانی و زبان قزوانه (= قزوینی‌ها) و تاتی و... نامیده شده اختلافات ناچیز با هم داشته‌اند.

دریغاکه بقایای زبان کهن امروز در شرف نابودی است. خبر داریم که در هفتاد سال پیش در نواحی مختلف لهجه‌های محلی پهلوی معمول بوده که امروز بکلی فراموش شده است. کبودک روستائی وقتی به مدرسه می‌رود و فارسی یاد می‌گیرد داشتن لهجه محلی را نشانه عقب ماندگی و دهاتی بودن و کسر شأن خود می‌داند و شرم و آزر مایع از تکلم بدان است.

امروز حق این است که هر چه زودتر پیش از آنکه سیل تحول این جزیره‌های زبانی را در هم نوردد و مدرسه و رادیو و تلویزیون و مطبوعات محلی را بکلی از میان ببرند بنیاد خاصی برای گردآوری گویشهای محلی ایران تشکیل گردد. این بنیاد باید کلیه تحقیقات مخصوصاً آنچه را که خارجیان نوشته‌اند جمع‌آوری نماید، از آن جمله تحقیقات روسها درباره زبانهای تاتی و طالشی و سایر لهجه‌های ایرانی گوشه و کنار قفقاز در این زمینه بسیار مهم است. هر آنچه در لابلای جنگها و متون فارسی آمده باید استخراج و بررسی شود. در اینجا این نکته را ناگفته نگذارم که در جستجوی بازمانده‌های گویشهای محلی پهلوی از آثار صوفیانه‌ای که در غرب ایران فراهم آمده غافل نباید بود. صوفیان چون مخاطبان خود را در میان عامه مردم می‌جستند و اکثریت مریدان آنها از توده مردم بودند عبارات و دوبیتی‌های پهلوی را در لابه لای نوشته‌های خود می‌آوردند.

نکته مهم دیگر این است که کلیه آثار لهجه‌های ایرانی باید به صورت یک کل و در کنار هم مورد بررسی قرار گیرد. حاصل کار برای زبان و فرهنگ ایرانی گنج بازیافته‌ای خواهد بود.